

پژوهشی

بررسی سهم مهاجرت در تغییر نرخ رشد جمعیت استان‌های کشور طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۹۵

سعیده شهبازین^۱

چکیده:

همگرایی روندهای مرگومیر و موالید، ثبات آن‌ها در سطوح پایین، افزایش شدت مهاجرت داخلی و عدم توازن الگو و شدت آن در مناطق مختلف، مهاجرت داخلی را به تعیین‌کننده‌ای مهم در میزان رشد جمعیت در مقیاس استانی تبدیل کرده است. هدف مطالعه حاضر، تعیین تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت است. روش تحقیق، تحلیل ثانویه داده‌های مهاجرت استانی طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۹۵ است. نتایج نشان داد، مهاجرت در اکثر استان‌ها تأثیر کاهشی بر نرخ رشد جمعیت داشته است. در هر دو دوره، بسیاری از مناطق به دلیل مهاجرت فرستی، کاهش نرخ رشد جمعیت را داشته‌اند. این کاهش از ۱/۶۲- درصد برای استان خراسان شمالی و ۱/۱۸ درصد برای استان البرز نوسان داشته است. میزان مهاجرت در برخی از استان‌ها موجب تبدیل نرخ رشد جمعیت مثبت، به نرخ رشد منفی شده است (استان همدان و خراسان شمالی در دوره ۹۵-۱۳۹۰). استان‌های کرمانشاه، لرستان، خوزستان، همدان، ایلام و خراسان شمالی بالاترین تأثیر کاهشی و استان‌های البرز، سمنان، بوشهر بالاترین تأثیر افزایشی از مهاجرت را داشته‌اند. استمرار این روند ضمن برهم زدن تعادل سنی و جنسی جمعیت در مقصد و مبدأ، مشکلات اجتماعی-فرهنگی زیادی در زمینه اشتغال، آلودگی‌های محیطی، تراکم جمعیتی و ... را به دنبال دارد که مدیریت و حل آنان نیازمند برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت خواهد بود.

واژگان کلیدی: نرخ رشد جمعیت، خالص مهاجرت، تکنیک بازماندگی، توزیع فضایی.

۱- استادیار گروه توزیع فضایی، مهاجرت و شهرنشینی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، ایران، تهران.

saeedehshahbazin@nipr.ac.ir

*این کار برگرفته از طرح پژوهشی «برآورد رشد جمعیت ناشی از مهاجرت در استان‌های کشور طی دهه ۹۰-۱۳۸۵ و ۹۵-۱۳۹۰» است که با حمایت مالی موسسه تحقیقات جمعیت کشور انجام شده است.

مقدمه و بیان مسئله

مهاجرت به‌عنوان پدیده‌ای جمعیتی و نیز اجتماعی- اقتصادی در کنار مرگ‌ومیر و باروری از سه مؤلفه اصلی مؤثر بر تغییرات جمعیت است. برخلاف مرگ‌ومیر و باروری، مهاجرت به دلیل ذات و ماهیت خود، تغییرات بلند و کوتاه‌مدتی را در مبدأ و مقصد برجای می‌گذارد. با این وجود، مهاجرت سهم کوچکی از مطالعات جمعیت شناختی داشته است. اما در دهه‌های اخیر، با تغییر در روند و الگوهای مرگ‌ومیر و باروری، مهاجرت به یکی از تأثیرگذارترین عوامل تغییرات جمعیتی به‌ویژه حجم و نرخ رشد جمعیت تبدیل شده است. (لوکاس و میر، ۱۳۸۴).^۱

رشد جمعیت هر منطقه، معلول دو عامل تغییرات طبیعی و مهاجرت است. در یک قرن گذشته، تغییرات مرگ‌ومیر و باروری نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر حجم و رشد جمعیت داشته‌اند، اما در سراسر جهان، به دنبال پیشرفت و تغییرات اقتصادی- اجتماعی و در نتیجه گذار جمعیتی، تغییراتی آغاز شد. با بهبود شرایط بهداشتی و کنترل نسبی مرگ‌ومیر، نقش باروری بر رشد جمعیت تقویت شد. در ادامه تغییر و تحولات بهداشتی و پزشکی و نیز با رسیدن میزان باروری کل به سطح جانشینی، از میزان تأثیرگذاری این عامل کاسته شد. این روند در همه جوامع با تأخیر و تقدم‌هایی صورت گرفت. امروزه پس از طی شدن گذار جمعیتی و همگرایی روند کاهش‌ی میزان‌های مولید و مرگ‌ومیر در سطوح پایین، مهاجرت و جابجایی جمعیت برعکس دو عامل دیگر، شدت یافت و مورد توجه قرار گرفت. هم‌زمان با افزایش ورود تکنولوژی پزشکی و بهداشتی، تحولاتی در سایر بخش‌ها نیز رخ داد. افزایش ارتباطات و وسایل حمل‌ونقل موجب سرعت در انتقال داده و اطلاعات و در نتیجه جابجایی‌های بیشتر افراد شد. در نتیجه این شرایط، روند سریع و رو به رشدی از مهاجرت آغاز شد که با ثبات نسبی در نرخ باروری و مرگ‌ومیر، سهم آن در تغییرات جمعیتی برجسته‌تر شد، تا جایی که نظریه‌ای تحت عنوان «گذار سوم

1- Lucas and Mir

جمعیتی»^۱ با تأکید بر مهاجرت توسط کولمن^۲ (۲۰۰۴) مطرح شد. در نتیجه این شرایط جمعیتی، می‌توان عنوان کرد که مهاجرت‌های داخلی از تعیین‌کننده‌های مهم رشد جمعیت در مقیاس تقسیم‌بندی‌های استانی و واحدهای کوچک‌تر از آن است (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲) و نقش فزاینده‌ای در این مسیر داشته و به منبع مهمی در تغییر الگوهای سکونتی در میان و بین کشورها تبدیل شده است (بل^۳ و همکاران، ۲۰۱۵).

ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دنیا، با فراز و نشیب‌هایی در سیاست‌های جمعیتی و به‌تبع آن تغییر در حجم و رشد جمعیت روبرو بوده است که تجربه این تغییرات برای همه مناطق و سکونتگاه‌های کشور یکسان نبوده است. مطالعه عوامل مؤثر در رشد جمعیت ایران، در نیم‌قرن اخیر نشان می‌دهد که تغییرات مرگ‌ومیر و شرایط بهداشتی جامعه نقش تبیین‌کننده‌ای در تغییرات جمعیتی داشته است. با بهبود شرایط بهداشتی و کنترل بیماری‌های واگیردار (خسروی و همکاران، ۲۰۰۷؛ خسروی و همکاران، ۱۳۹۱) و افزایش امیدزندگی (ساسانی پور و همکاران، ۱۳۹۶؛ ساسانی‌پور و اسعدی، ۲۰۱۷)، باروری به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر رشد جمعیت موردتوجه قرار گرفت. یافته‌های مرتبط با باروری نشان می‌دهد، میزان باروری کل در ایران به زیر سطح جانشینی رسیده است. این در حالی است که در همین زمان بر حجم و شدت مهاجرت‌های داخلی افزوده شده است.

طی ۵۰ سال اخیر تغییرات زیادی در اندازه، حجم و شکل مهاجرت‌های داخلی در کشور رخ داده است. این تغییرات به‌صورت مستقیم تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، جمعیتی و نوسازی حاکم بر کشور صورت گرفته است. از اوایل دهه ۱۳۰۰، هم‌زمان با تحولات ابتدایی اقتصادی - اجتماعی، تغییرات اساسی در الگوهای مهاجرت ایران آغاز شد (حسامیان و همکاران، ۱۳۸۵). به‌تدریج با گسترش نوسازی در کشور، تغییرات عمیقی در الگوهای مکانی ایران در سطح ملی و منطقه‌ای به وجود آمد (مشفق، ۱۳۸۹). با افزایش تفاوت‌های اقتصادی- اجتماعی

1- Third Demographic Transition

2- Coleman

3- Bell



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

و به عبارتی توسعه‌یافتگی استان‌های کشور، الگوی مهاجرت‌های بین‌استانی، با نوساناتی رو به افزایش بوده است؛ به‌طوری‌که از ۳۹ درصد در دوره ۷۵-۱۳۶۵، به ۴۹ درصد در دوره ۹۵-۱۳۹۰ رسیده است. با این‌وجود، سهم استان‌های کشور از این مهاجران یکسان نبوده است. تفاوت در مهاجرت‌های استانی عمدتاً به انگیزه مهاجرتی مهاجران این استان‌ها با سطح توسعه‌یافتگی مختلف برمی‌گردد (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲). به عبارتی استان‌هایی که دارای سطح توسعه‌یافتگی بالاتری هستند، در موازنه جمعیتی، نسبت بالایی از مهاجران دیگر استان‌ها را که عمدتاً استان‌های کمتر توسعه‌یافته هستند، به خود جذب می‌کنند. در چنین شرایطی و با در نظر گرفتن سایر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مهاجرت اهمیت زیادی در رشد جمعیت پیدا کرد. با توجه به الگوی مهاجرت‌های داخلی در کشور، بدیهی است که مناطق مختلف کشور تأثیرپذیری یکسانی از مهاجرت نداشته و ندارند. علاوه بر این تأثیر مستقیم، با توجه به الگوی سنی مهاجران در کشور، مهاجرت به‌صورت بالقوه بر میزان‌های ازدواج و باروری و حتی مرگومیر نیز تأثیر می‌گذارد. با توجه به عدم توازن الگو و شدت مهاجرت در مناطق مختلف کشور، بی‌شک میزان تأثیرگذاری آن بر مناطق مختلف نیز متفاوت خواهد بود.

نشان دادن تأثیر خالص مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت استان‌ها، هدف اصلی این مطالعه است. با توجه به شرایط جمعیتی حاضر کشور، یعنی همگرایی روندهای مرگومیر و موالید از یک‌سو و با در نظر گرفتن عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در نتیجه عدم تعادل و توازن استان‌های کشور در بهره‌گیری از مهاجرت از سوی دیگر، اثرگذاری مهاجرت‌های داخلی در تغییرات جمعیتی سطوح جغرافیایی و مرزبندی‌های سیاسی (استانی) اهمیت یافته است. در نتیجه، می‌توان عنوان کرد که در شرایط کنونی کشور، مهاجرت‌های داخلی از تعیین‌کننده‌های مهم میزان رشد جمعیت در مقیاس تقسیم‌بندی‌های استانی محسوب می‌شود. بنابراین، مطالعه حاضر به دنبال برآورد میزان نرخ رشد جمعیت ناشی از مهاجرت در استان‌های مختلف است. پژوهش حاضر بر آن است تا با شناسایی سهم مهاجرت در ایجاد تغییر در نرخ رشد جمعیت، برنامه‌ریزان کشوری را برای سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای، جهت

مدیریت و کنترل افسارگسیخته تراکم جمعیت در مناطق خاص، یاری دهد.

مبانی نظری

پدیده مهاجرت به دلیل بین‌رشته‌ای بودن، موضوع بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، اجتماعی و اقتصادی است. با توجه به اینکه تعاریف قراردادی مهاجرت، بیشتر مبتنی بر ابعاد زمانی و مکانی است، زمانی جابه‌جایی می‌تواند به‌عنوان مهاجرت تلقی شود که تغییری را در موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد حرکت‌کننده به وجود آورد (لوکاس و میرا، ۱۳۸۴: ۱۲۶). هانسن^۲ هم جزو کسانی است که نسبت به مهاجرت نظر مثبت دارد. او معتقد است که مهاجرت در حقیقت کمی ماجراجویی در بردارد، و ضمناً باعث ایجاد ارتباطات جدید اجتماعی می‌شود و در واقع، مهاجرت نشانه پیشرفت و زندگی است (خباز بهشتی، ۱۳۸۰: ۶۵). در شکل کلی، نظریات کلاسیک به‌نوعی مهاجرت را عقلایی و هدف‌دار می‌دانند و ماهیت تصمیم‌گیری‌های مهاجر را کاملاً عقلایی و از طریق موازنه هزینه‌ها و منافع فرض می‌کنند و معتقدند با این پیشینه، شخص پس از مهاجرت در مقصد می‌تواند به‌راحتی جذب یا در نظام ارزشی مسلط حل شود (لهسای‌زاده، ۱۳۶۰: ۲۰۰). در مورد مهاجرت، دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی وجود دارد که هر یک از آن‌ها از زوایای مختلف به این پدیده نگریسته‌اند. در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان نظریات موجود در مورد مهاجرت را در سه دسته قرارداد: نظریات مرتبط با علل و عوامل مؤثر بر مهاجرت، نظریات تبیین‌کننده جریان و الگوهای مهاجرت و در نهایت، نظریات مرتبط با اثرات و پیامدهای مهاجرت. با توجه به موضوع مطالعه در باب نقش مهاجرت در رشد جمعیت، در واقع به دنبال مبانی نظری هستیم که اثرات جمعیتی مهاجرت را تبیین کند.

نظریات مرتبط با اثرات و پیامدهای مهاجرت

- 1- Lucas and Mir
- 2- Hansen

اثرات اقتصادی مهاجرت: برخی از نظریات در مورد تأثیر مهاجرت، بر زمینه اثرات اقتصادی متمرکز شده‌اند. بسیاری از مهاجرین معتقدند که پس از مهاجرت، درآمد واقعی و وضعیت شغلی آن‌ها بهتر شده است. مهاجرینی که هم‌تراز شهروندان یا حتی بهتر از آنان هستند، معمولاً بهتر از مردم مبدأ جذب شده‌اند. آن‌ها ممکن است بهتر آموزش داده شده و با در نظر گرفتن سن و جنس، در یک سطح اقتصادی بالاتر از شهروندان قرار گیرند. در بسیاری از مطالعات، تحرک اقتصادی را به عنوان تغییر وضعیت از بیکاری به اشتغال تعریف کرده و بعضی معیار درآمد واقعی بیشتر را به کار می‌گیرند. افرادی که تحصیلات بیشتری دارند و از نظر اقتصادی در وضعیت بهتری هستند، ظاهراً تحرک اقتصادی بالاتری دارند. تحرک اقتصادی در میزان درآمد نیز منعکس می‌گردد. تجزیه و تحلیل جدید در این زمینه نشان می‌دهد که مهاجرین بعد از مهاجرت درآمد بیشتری داشته و در ضمن مهاجرین جدید نسبت به مهاجرین قدیمی درآمد بیشتری داشته و این به دلیل جوانی، تحصیلات بیشتر و تلاش به منظور احراز مشاغل بهتر بوده است.

همچنین برحسب اینکه مهاجرت به صورت فردی صورت گرفته است یا خانوار، اثرات مختلفی برجایی می‌گذارد. در شرایطی که یک فرد به تنهایی مهاجرت می‌کند و بقیه اعضای خانواده در مبدأ می‌مانند، امکان دارد که برای خانوار در مبدأ پیامدهایی داشته باشد. اگر فرد مهاجر یکی از اعضای وابسته باشد (خواه نوجوان یا سالمندی فاقد درآمد) در نتیجه مصرف سرانه خانوار افزایش می‌یابد، اما اگر فرد مهاجر فرد بالغ خانواده باشد که از نظر اقتصادی مولد و سودآور بوده باشد، موجب کاهش سرانه خانوار می‌شود. از سویی دسترسی به اطلاعات تازه و تماس‌هایی که خانواده مهاجر از طریق او با منطقه مهاجرت شده برقرار می‌کنند، ممکن است منجر به مهاجرت اعضای خانواده شود. این تماس‌ها، ممکن است نه تنها تأثیرهای مثبت بر تولید داشته باشد، بلکه گرایش‌های مصرفی اعضای خانوار را نیز بالا ببرد و از این‌رو تمایل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و در نتیجه سطح زندگی را در درازمدت پایین آورد.

تأثیرات اجتماعی و جمعیتی مهاجرت: تحولات اجتماعی و اقتصادی که یک مهاجر

تجربه می‌کند، تابع یکدیگر می‌باشند. اگرچه نمی‌توان بین عوامل اقتصادی و اجتماعی مرزی مشخص قائل شد، اما منظور از نتایج اجتماعی، تغییرات در شبکه، الگو و نگرش در مورد روابط اجتماعی است که شامل تغییرات نقش‌ها در خانواده و در روابط با اشخاص دیگر و همسایگان است. برای مهاجران روستا به شهر، مهم‌ترین تغییرات اجتماعی تغییر از شیوه زندگی روستایی به شیوه زندگی شهری است. مهاجران شهر به شهر نیز ممکن است تغییرات ناشی از سکونت مجدد را تجربه کنند. عوامل اجتماعی بر اشتغال و درآمد نیز تأثیر می‌گذارد.

اهمیت بستگان و دوستان: هیچ شکی نیست که بستگان کمک اساسی به مهاجران می‌کنند. اشخاصی که مهاجران در بدو ورود پیش آن‌ها می‌مانند، تأثیر بسیار زیادی در یافتن سریع شغل و محل مناسب دارند. جاذبه همزیستی مهاجر با بستگان غالباً به قدری قوی است که حتی اگر این امر شانس اشتغال مهاجر را پایین آورد، در نزدیکی آن‌ها در حومه شهرها می‌ماند. دوستان و اقوام در شهر سازگاری مهاجر با شهر را به طرق مختلف تسهیل می‌کنند. آن‌ها کمک‌های نقدی یا جنسی را به خانواده تا یافتن منبع درآمد، تأمین مسکن موقتی یا دائمی، تسهیل انتقال از رسوم روستایی به شهری و شاید در امر مهم کاریابی ادامه می‌دهند. اگرچه مهاجران در بدو ورود به جامعه جدید به بستگان یا دوستان اتکا کرده، اما در محل جدید دوست‌های جدید پیدا می‌کنند که این دوستان جدید منبع رضایت بیشتری می‌شوند (فیندلی^۱، ۱۳۷۲: ۷۲).

از دیگر پیامدها، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) افزایش یا کاهش تعداد جمعیت: مهاجرت‌ها چه به صورت بین‌المللی و چه داخلی، همواره موجب کاهش جمعیت نواحی مهاجر فرست و افزایش جمعیت نواحی مهاجر پذیر می‌شوند. این افزایش و کاهش در مواردی کند و مستمر و در مواردی تند و مقطعی است. از جریانات آرام و طولانی می‌توان از مهاجرت‌های روستا - شهری در کشورهای در حال توسعه یاد کرد. تفاوت سطح توسعه و چگونگی بازار کار، به تدریج بخشی از جمعیت روستایی را روانه شهرها و نقاط پیرامونی آن‌ها می‌کند.



در مقابل این نوع مهاجرت‌ها که به آرامی جریان می‌یابد، مهاجرت‌هایی نیز وجود دارند که به دلایل مختلف در یک دوره کوتاه‌مدت، سیل عظیمی از مهاجران را راهی سرزمین‌های معینی می‌کنند و مشکلات خاصی را چه برای مهاجران و چه برای سرزمین‌های پذیرای آنان فراهم می‌آورند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

ب) تغییر ترکیب جمعیت: این تغییر عمدتاً به دو صورت تغییر در ترکیب جنسی و تغییر در ترکیب سنی خودنمایی می‌کند و تغییر در ترکیب قومیت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی را نیز به دنبال می‌آورد. در مواردی مهاجرت‌ها به شکل خانوار انجام می‌گیرد و تأثیر چندانی بر ترکیب جنسی و سنی جمعیت باقی نمی‌گذارد، مگر آنکه ساختار جمعیتی مبدأ مهاجرت، تفاوت‌های بارزی با ساختار جمعیت مقصد مهاجرت داشته باشد. ولی در بسیاری از موارد، نسبت مردان در بین مهاجران، بیش از نسبت زنان است. در این حالت، مهاجرت باعث افزایش نسبت جنسی جمعیت در منطقه مهاجرپذیر و کاهش آن در منطقه مهاجر فرست می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۶).

ج) تسریع رشد جمعیت شهری و تخفیف رشد جمعیت روستایی: مهاجرت‌ها یکی از عوامل برانگیزنده رشد جمعیت شهری بوده و مهاجران اغلب به قصد استقرار در نقاط شهری به‌ویژه شهرهای بزرگ به این اقدام دست می‌زنند. اثر مهاجرت‌ها بر رشد جمعیت شهری در کشورهای درحال توسعه به‌مراتب بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۷۸).

د) تنوع فرهنگی و انتقال تجربیات و نوآوری‌ها: یکی از پیامدهای عمده مهاجرت، آشنایی مردم با فرهنگ و تمدن‌های مختلف است. گرچه پذیرش فرهنگی به وسیله مهاجران و ساکنان بومی در ابتدا با مقاومت و عکس‌العمل‌های منفی همراه است، آنچه در آغاز به شکل برخورد تمدن‌ها خودنمایی می‌کند، به تدریج به تعالی فرهنگی تبدیل می‌شود و از بده بستان‌های آن‌ها فرهنگ‌های متعالی‌تری به وجود می‌آید. اختلاط قومی و فرهنگی یکی از ویژگی‌های عمده کشورهای مهاجرپذیر است. تبادل فرهنگی بین اقوام مختلف در کشورهایی که تحت تأثیر مهاجرت‌های سیاسی سلطه‌گر قرار می‌گیرند، از روال عادی خارج شده و به‌نوعی

استیلاهای فرهنگی قوم مهاجر بر ساکنان بومی تبدیل می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۸۳).
ه) پیامدهای اقتصادی و اجتماعی مهاجرت‌ها: از عمده‌ترین پیامدهای اقتصادی مهاجرت‌ها، تفاوت دستمزدها و شرایط کاری مهاجران با کارگران بومی است، که نوعی دوگانگی بازار کار را به وجود می‌آورد. در برخی از کشورها امکان کار و فعالیت برای مهاجران یکسان نیست، این تفاوت هر چه قدمت مهاجرت افزایش یابد، روبه کاهش می‌گذارد. از نظر اجتماعی، مهاجرت به‌نوعی کثرت‌گرایی در جامعه و استقرار نهادهای لازم برای حفظ حقوق بشر منجر می‌شود، پیش‌داوری‌های موجود درباره ارتکاب بیشتر مهاجران به رفتارهای بزهکارانه را از بین می‌برد، افراط‌گری‌های ملی‌گرایی را تعدیل می‌کند و به‌نوعی به اشتراک همگانی در زندگی اجتماعی منجر می‌شود (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

پیشینه تحقیق

با اینکه بحث نرخ رشد جمعیت یکی از زمینه‌های جمعیتی مهم تحت تأثیر مهاجرت است، اما در این زمینه مطالعات محدودی صورت گرفته است و از میان مطالعات صورت گرفته نیز تعداد کمی از این آثار به مهاجرت به‌عنوان یک متغیر توضیحی در تجزیه و تحلیل تجربی رشد جمعیت توجه کرده‌اند و عمده آن‌ها به‌صورت نظری به این رابطه پرداخته‌اند.

در اولین مطالعات صورت گرفته در این زمینه بارو و سالامارتین^۱ (۱۹۹۵) نرخ خالص مهاجرت در رشد جمعیت کشورهای مختلف توسعه‌یافته (ایالات متحده، ژاپن، آلمان، انگلستان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا) را بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که تأثیر مهاجرت خالص برای ایالات متحده و ژاپن مثبت و افزایشی بوده و برای پنج کشور اروپایی، آلمان، انگلستان، ایتالیا، فرانسه و اسپانیا ضریب به‌دست‌آمده چندان قابل توجه نبوده است (بارو و سالامارتین، ۱۹۹۵). در مطالعات دیگری که توسط پکالا و کانگاشرجو^۲ (۱۹۹۸) و تویا، هوسونو و تاتسوجی^۳ (۲۰۰۴) انجام شد، نیز نتایج یکسانی به دست آمد. پکالا و کانگاشرجو با استفاده

1- Barro & Sala-i-Martin

2- Pekkala & Kangasharju

3- Toya, Hosono & Tatsuji



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

از داده‌های ۸۵ منطقه فرعی فنلاند، در طول دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۵ نشان دادند تأثیر مهاجرت بر میزان رشد جمعیت این مناطق بسیار ناچیز است. توپا، هوسونو و تاتسوجی نیز با بهره‌گیری از داده‌های منطقه‌ای در طول دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰ نشان دادند که نرخ خالص مهاجرت تأثیر قابل‌توجهی بر رشد جمعیت منطقه‌ای نداشته است.

در مقابل این تحقیقات، مطالعاتی نیز بودند که به نقش مهاجرت در نرخ رشد جمعیت تأکید کردند و تأثیر مثبت آن را نشان دادند. کستبای و ویسترلاند^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی به تجزیه و تحلیل و مقایسه تأثیر مهاجرت منطقه‌ای بر نرخ رشد جمعیت نروژ و سوئد در طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰ پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد، تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت در هر دو منطقه مثبت است. کردار و سیرین^۲ (۲۰۰۷) نیز با بهره‌گیری از روش برآورد متغیرهای ابزاری و استفاده از کنترل اثرات ثابت استانی، تأثیر مهاجرت در نرخ رشد جمعیت منطقه‌ای را نشان دادند. نتیجه مطالعه آن‌ها نشان داد که براساس مدل رشد استاندارد پیش‌بینی، اجازه تحرک نیروی کار در مناطق مختلف، باعث افزایش سرعت همگرایی در سطوح درآمد سرانه می‌شود و در نتیجه مهاجرت تأثیر منفی بر نرخ رشد منطقه دارد. این مطالعه، شواهد تجربی در مورد تأثیر علی مهاجرت بر میزان رشد استانی در یک کشور در حال توسعه با سطح بالای مهاجرت داخلی که با خروج نیروی غیرماهر از مناطق روستایی برای مراکز شهری مشخص می‌شود، را ارائه می‌دهد. اتزو^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه خود بر تأثیر جریان‌های مهاجرت بین منطقه‌ای بر میزان رشد منطقه در طی دوره ۲۰۰۲-۱۹۸۳ تمرکز کرده است. اولین نتیجه مهم این مطالعه، این است که مهاجرت بر نرخ رشد منطقه‌ای در ایتالیا تأثیر گذاشته است. علاوه بر این، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل دو دوره ۱۹۸۳-۱۹۹۲ و ۱۹۹۳-۲۰۰۲، نشان می‌دهد که روندهای مختلف جریان مهاجرت در طول دو دهه و تفاوت آن‌ها به طرق مختلف بر رشد جمعیت منطقه تأثیر گذاشته است.

لی و وست لوود (۲۰۱۱) نیز تغییرات رشد جمعیت را به عوامل و مؤلفه‌های اصلی

- 1- Østbye & Westerlund
- 2- Kirdar & Sirin
- 3- Etzo

آن تجزیه کردند و تلاش کردند که سهم مهاجرت و نرخ رشد طبیعی را در تغییرات رشد جمعیت کلان‌شهر پکن نشان دهند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که نرخ رشد در مناطق شهری بالاتر بوده که عمدتاً به دلیل افزایش جمعیت سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ است. آن‌ها رشد جمعیت را به عوامل جمعیتی، اقتصادی و محیطی تجزیه کردند. همچنین کورک، ووتوویز و گالکا^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تغییر نقش مهاجرت و رشد طبیعی جمعیت در رشد مناطق شهری هلند»؛ به سیر تحول توزیع جمعیت در کلان‌شهر کراکوف پرداختند. آن‌ها معتقد بودند که تغییرات و حتی روندهای معکوسی از نقش سه عامل مهاجرت، باروری و مرگومیر در رشد جمعیت به وجود آمده است. این مطالعه در چهار مقطع زمانی ۱۹۸۸، ۱۹۹۵، ۲۰۰۲ و ۲۰۱۲ انجام شد و تجزیه و تحلیل تفاوت در افزایش طبیعی و مهاجرت خالص مورد بحث قرار گرفته است. نتایج مطالعات حاکی از افزایش نقش مهاجرت در رشد جمعیت در این مناطق بوده است. برا^۲ (۲۰۰۳)، نیز در گزارشی با موضوع پویایی جمعیت در آمریکای لاتین اظهار داشته است که با وجود افزایش نرخ رشد جمعیت کشورهای این منطقه که عمدتاً به دلیل نرخ رشد طبیعی بوده است، افزایش میزان شهرنشینی در این منطقه فراتر از نرخ رشد جمعیت است که عمده دلیل آن مهاجرت در این کشورها بوده است. او در این گزارش نشان داد که حجم زیادی از جمعیت شهرنشین کشورهای آمریکای لاتین در نتیجه مهاجرت داخلی بوده است که به دلایل مختلف راهی شهرها شده بودند، به طوری که در سال ۲۰۰۰ بیش از سه‌چهارم جمعیت این مناطق در شهرها سکونت داشته‌اند (برا، ۲۰۰۳). مطالعه روو^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در زمینه تأثیر مهاجرت داخلی بر تغییرات جمعیتی اروپا با تکیه بر پیشرفت‌های روش‌شناختی اخیر صورت گرفت. در این مطالعه تلاش شد با بهره‌گیری از داده‌های مهاجرت داخلی ۳۰ کشور اروپایی، شاخص‌های جدید مهاجرت را ارائه دهد. بر اساس یافته‌ها، مهاجرت به عامل اصلی تغییر جمعیت در کشورهای اروپایی تبدیل شده است و الگوهای استقرار انسان‌ها در داخل کشورها را شکل می‌دهد. از دیگر مطالعاتی که به بررسی تأثیر مهاجرت

- 1- KUREK, WÓJTOWICZ and GALKA
- 2- Brea
- 3- Rowe

بر تغییرات جمعیتی انجام شده است، می‌توان به مطالعه فیلیپو و شاسترا^۱ (۲۰۱۰) اشاره کرد. آن‌ها در مطالعه‌ای گسترده به تأثیر مهاجرت خالص بر حجم جمعیت ۲۱ کشور اتحادیه اروپایی پرداختند. نتایج آن‌ها ضمن به دست دادن سهم مهاجرت در نرخ رشد جمعیت کشورهای اروپایی، نشان داد که تحت تأثیر مهاجرت، جمعیت کشورهای اسپانیا، فرانسه، اتریش و آلمان رشد قابل توجهی داشته است، در حالی که جمعیت کشورهای پرتغال و بلغارستان کاهش داشته است. همچنین کشورهای جنوب اروپا نیز در مقایسه با سایر کشورها، کاهش رشد جمعیتی ناشی از مهاجرت را داشته‌اند.

مرور ادبیات و پیشینه پژوهشی جمعیت‌شناسی در کشور، در چهار حوزه اصلی مطالعات جمعیت‌شناسی، بیانگر این است که در خصوص مهاجرت‌های داخلی و پیامدها و تأثیرات آن بر رشد و تغییرات جمعیتی، دانش قابل‌ملاحظه‌ای در کشور تولید نشده است. ساختار نظام مهاجرتی و تحولات آن در عین اهمیتی که در مطالعات جمعیت‌شناسی کشور دارد، بحثی است که اساساً کمتر به آن پرداخته شده است. بیشتر مطالعات انجام شده در خصوص مهاجرت در ایران به موضوعات مختلفی از جمله تحولات آماری مربوط می‌شود که بخش قابل‌توجهی از آن از دهه ۱۳۴۰ آغاز شد. در مجموع در برخی از بررسی‌ها، مهاجرت در ایران در دو دوره کلی قبل و بعد از اصلاحات ارضی مورد بررسی قرار گرفته است (طالب، ۱۳۶۸). بسیاری از پژوهش‌ها تنها به تحلیل آماری مهاجرت در دوره‌های مختلف پرداخته‌اند (محمودی و دیگران، ۱۳۸۹؛ زنجانی، ۱۳۷۵).

در زمینه بررسی تأثیرات مهاجرت، مطالعات مختلفی صورت گرفته است. مطالعاتی که در آن‌ها به بار مثبت و منفی ناشی از مهاجرت پرداخته‌اند. در برخی از مطالعات به تأثیرات مهاجرت و تغییراتی که در ساختارهای شغلی، رفاهی، جنسی و آموزشی ایجاد می‌نماید (ارشاد و مینا، ۱۳۸۹) اشاره شده است. علاوه بر پیامدهای اقتصادی، به پیامدهای روانی مهاجرت نیز اشاره شده است (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸) از جمله این تأثیرات به افزایش آگاهی، آموزش بهتر، روابط اجتماعی و گذران اوقات فراغت جوانان به‌عنوان پیامدهای غیراقتصادی مثبت و قطع ارتباط

جوان با خانواده خود در روستا، بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان پیامدهای منفی مهاجرت اشاره شده است (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸). بحران مسکن (صرافی، ۱۳۸۱)، رشد مشاغل غیررسمی، پیدایش سکونتگاه‌های غیررسمی و تغییر فرهنگ روستایی (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۵)، بیکاری پنهان، بزهکاری‌های اجتماعی (ایمان، ۱۳۶۸؛ زمانی، ۱۳۸۸؛ اصلانی، ۱۳۸۵) از جمله پیامدهای دیگری است که در مطالعات مختلف به آن پرداخته شده است.

مرور پیشینه علمی مهاجرت در کشور نشان داد که در حوزه تأثیر مهاجرت بر تغییرات حجم و به‌صورت کلی رشد جمعیت، مطالعه‌ای صورت نگرفته است. تنها مطالعه در این زمینه، تحقیقی است که شهیری ثانی و حزباوی (۱۳۹۸) انجام داده‌اند. در این مطالعه، آن‌ها به بررسی اثر مهاجرت بر کاهش جمعیت استان خوزستان پرداخته‌اند و نشان دادند که حدود ۰/۲۵ درصد از کاهش رشد جمعیت استان خوزستان در سال ۱۳۸۵ و ۰/۶۲ درصد در سال ۱۳۹۰، ناشی از مهاجرت در این استان بوده است. در این مطالعه تنها استان خوزستان و در دو دوره مورد بررسی قرار گرفته است. پس می‌توان گفت که مطالعه‌ای کلان و ملی در کشور صورت نگرفته است.

به‌طورکلی مرور مطالعات انجام شده نشان از شکاف عظیم مطالعاتی در حوزه مهاجرت داخلی در ایران و خارج از کشور دارد. با ظهور و اهمیت یافتن مهاجرت داخلی در دنیا، در چند سال اخیر ابعاد روشی و مفهومی غنی و روبه‌رشدی در این حوزه معرفی شده و در سطح دنیا در حال انجام است. این در حالی است که حوزه مهاجرت‌های داخلی در کشور نسبت به دو حوزه دیگر جمعیت، مرگ‌ومیر و موالید، از توجه کمتری برخوردار بوده و همین امر، خلأ تحقیقاتی بزرگی در این حیطه ایجاد کرده است که توجه محققین و متخصصین امر را می‌طلبد.

روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری صورت گرفته است. داده‌های مورد نیاز، داده‌های جمعیت، و ماتریس مهاجرت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استانی است که از سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵) کشور اخذ شده است. به علاوه، داده‌های مربوط به تعداد مرگ و تولدهای ثبت شده از سازمان ثبت احوال به دست آمده است. قبل از بررسی سهم مهاجرت در نرخ رشد جمعیت، دو مرحله تسطیح و تعدیل داده‌های پایه‌ای صورت گرفته است. در مرحله اول، داده‌های جمعیت برحسب سن و جنس با استفاده از شاخص ارقام ترکیبی^۱، مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت لزوم با استفاده از روش پیشنهادی سازمان ملل، تسطیح شده‌اند. در این مطالعه استان‌هایی که شاخص ارقام ترکیبی آن‌ها بیشتر از ۳۵ بوده، به واسطه روش پیشنهادی سازمان ملل، تسطیح شده است. دومین ارزیابی و تعدیل داده‌ها، مربوط به داده‌های مهاجرت است. عدم اظهار مهاجر بودن و نیز عدم اعلام محل اقامت قبلی از جمله مشکلات داده‌های مهاجرت داخلی است. از همین رو، معمولاً تعداد و حجم مهاجران دارای کم‌شماری‌های قابل توجهی است. برای حل این مشکل و به دست دادن اطلاعات دقیق‌تری از مهاجرت، انواعی از روش‌های تصحیح به نام شاخص‌های غیرمستقیم مهاجرت، ارائه شده است که برآورد دقیق‌تری از داده‌های مهاجرت را ارائه می‌کند. در اینجا، ابتدا داده‌های مهاجرت به واسطه معادله توازن جمعیتی^۲ مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. براساس معادله توازن:

$$P_{t+n} = P_t + \sum(B - D) + (I - E) \quad (1)$$

پس:

$$(I - E) = P_{t+n} - [P_t + \sum(B - D)] \quad (2)$$

در نتیجه این دو رابطه باید رابطه ۵ برقرار باشد:

$$P_{t+n} - P_t = \sum(B - D) + (I - E) \quad (3)$$

پس از ارزیابی داده‌های مهاجرت برای برآورد خالص مهاجرت از تکنیک نسبت‌های بازماندگی استفاده شده است. در این تکنیک که در مقایسه با تکنیک معادله توازن

1- Joint Scores Index
2- Demographic Balancing Equation

جمعیت، از سطح بالاتری برخوردار است و نیاز به داده‌های پایه بیشتری دارد، خالص مهاجرت براساس مابه‌التفاوت جمعیت مورد انتظار سال مقصد از سال مبدأ به دست می‌آید. این تکنیک با استفاده از دو رویکرد نسبت‌های بازماندگی پیش‌نگر^۱ (رابطه ۴) و پس‌نگر^۲ (رابطه ۵) قابل انجام است:

$$Net \dot{M}_{x+n} = \dot{P}_{x+n} - (S \times P_x^0) \quad (4)$$

$$Net \dot{M}_{x+n} = P_x^0 - (\dot{P}_{x+n} \times \frac{1}{S}) \quad (5)$$

در این تکنیک، برآورد خالص مهاجرت کودکان ۰-۴ ساله، بر پایه نسبت کودک به زن^۳ هر منطقه در سرشماری دوم صورت می‌گیرد. با فرض اینکه نیمی از کودکان متولد شده قبل از مهاجرت مادرانشان متولد شده‌اند، خالص مهاجرت جمعیت ۰-۴ ساله عبارت است از:

(۶)

$$Net \dot{M}_0 = 1/2(B_{t-t+n} \times (Net F_{15-49}))$$

استفاده از هرکدام از این دو روش، مزایا و درعین حال مشکلات و نواقصی را دربر دارد. معمولاً در جهت برطرف کردن مشکلات و نیز به دست آوردن برآوردهایی نزدیک به واقع، از میانگینی از دو روش به صورت هم‌زمان بهره گرفته می‌شود، که در این مطالعه از این رویکرد استفاده شده است.

پس از ارزیابی، تسطیح و برآورد داده‌های جمعیت و مهاجرت، سهم مهاجرت در نرخ رشد جمعیت با استفاده از رابطه زیر، مورد بررسی قرار گرفته است.



$$\dot{r} = \sqrt{\frac{P_{t+n}}{P_t}} - 1$$

$$\dot{P}_{t+n} = P_{t+n} - M_{t-t+n}$$

$$r_m = r - \dot{r}$$

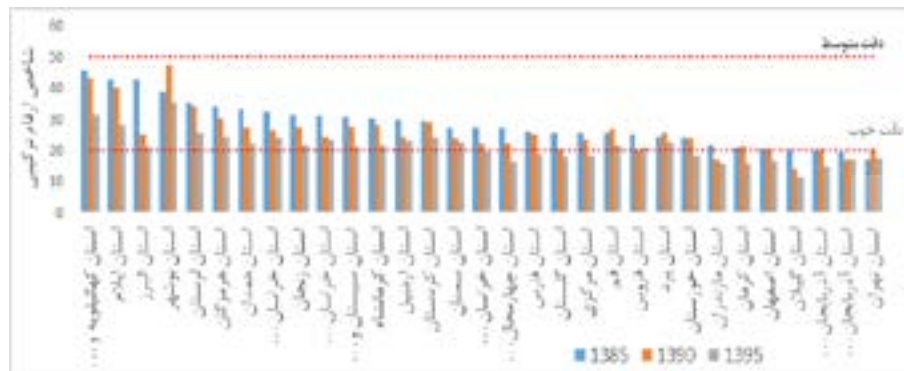
با توجه به اینکه محاسبه شاخص‌های اصلی یعنی خالص مهاجرت و نرخ رشد

1- Forward Survival Ratio Method
2- Backward/Reverse Survival Ratio Method
3- Child Woman Ratio (CWR)

جمعیت نیاز به داده‌های ابتدا و انتهای دوره دارد، داده‌های ارائه شده برای این مطالعه مربوط به سه مقطع ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ است. از سویی با توجه به اینکه استان البرز در سال ۱۳۸۹ از استان تهران جدا شد، داده‌های جمعیت و مهاجرت این استان برای سال ۱۳۸۵ بازسازی شده است.

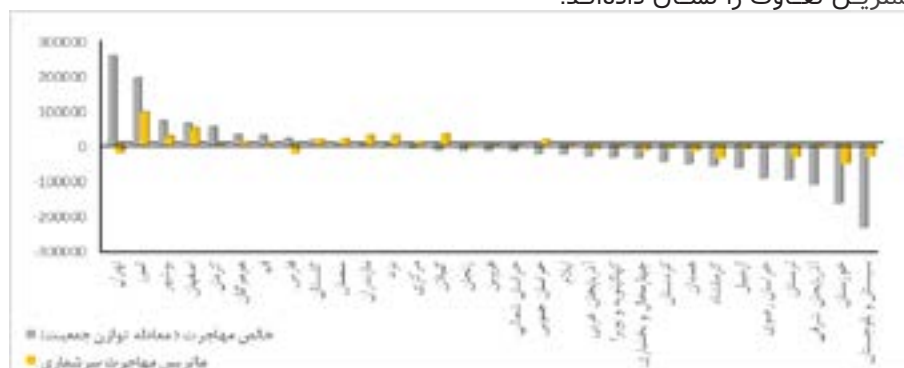
یافته‌های تحقیق

نتایج ارزیابی داده‌های جمعیت سرشماری براساس شاخص ارقام ترکیبی نشان داد که داده‌های جمعیت استانی در وضعیت قابل قبولی قرار دارد. در هر سه سال مورد بررسی (۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵)، شاخص ارقام ترکیبی در همه استان‌های کشور زیر سطح عدد ۵۰ یعنی دارای دقت متوسط بوده است. استان‌های تهران، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی غربی، گیلان، اصفهان، کرمان و مازندران در هر سه سال، دارای رقمی کمتر از ۲۰ بوده‌اند. در مقابل استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، بوشهر، هرمزگان، لرستان، کردستان و اردبیل در هر سه سال دارای سطح بالاتری از شاخص ارقام ترکیبی بوده‌اند؛ وجه اشتراک غالب استان‌های کشور در این شاخص، بهبود تدریجی آن طی سرشماری‌های متوالی است. با این وجود در این مطالعه جهت دقت بیشتر در محاسبه نرخ رشد و به دست دادن نتایج قابل اعتمادتر، جمعیت استان‌هایی که در هر یک از سه دوره فوق، دارای شاخص ارقام ترکیبی بالاتر از ۳۰ بودند، با استفاده از شاخص سازمان ملل تسطیح شده و سپس وارد تحلیل شده‌اند.



نمودار ۱. شاخص ارقام ترکیبی در استان‌های کشور طی سه سال ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

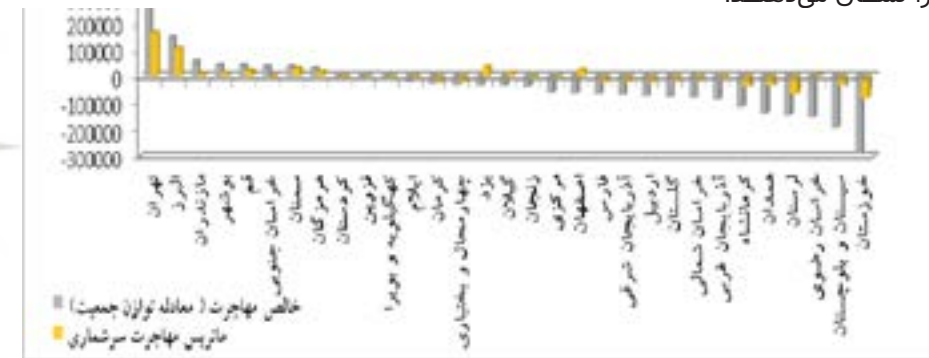
نتایج ارزیابی خالص مهاجرت استانی براساس معادله توازن نشان داد که در هر دو دوره (۱۳۸۵-۹۰ و ۱۳۹۰-۹۵) تفاوت چشمگیری بین داده‌های مهاجرت سرشماری و خالص مهاجرت وجود دارد. در دوره ۱۳۸۵-۹۰ استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان شرقی و تهران بیشترین تفاوت و استان‌های گلستان و سمنان کمترین تفاوت را نشان داده‌اند.



نمودار ۲. مقایسه خالص مهاجرت بر اساس معادله توازن جمعیتی و داده‌های سرشماری در دوره

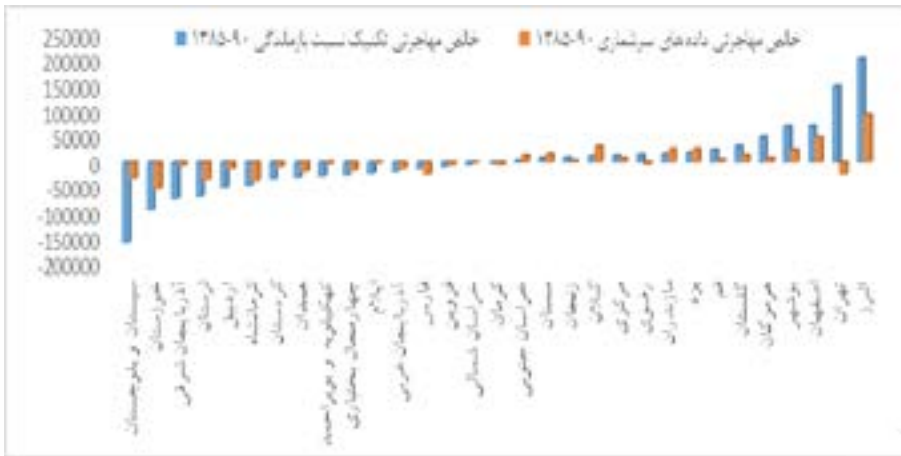
۱۳۸۵-۹۰

در دوره ۱۳۹۰-۹۵ نیز همچنان اختلاف‌های چشم‌گیری در استان‌های کشور مشاهده می‌شود. گرچه در این دوره سرشماری با بالا رفتن دقت داده‌ها، بهبودی نسبی در مقایسه با دوره پیش وجود دارد، اما همچنان این تفاوت و اختلاف در داده‌های مهاجرت پابرجاست. استان‌های تهران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی بالاترین و استان‌های سمنان، قزوین، هرمزگان پایین‌ترین تفاوت را نشان می‌دهند.



نمودار ۳. مقایسه خالص مهاجرت براساس معادله توازن جمعیتی و داده‌های سرشماری در دوره ۱۳۹۰-۹۵

با توجه به نتایج به دست آمده از تفاوت دو روش، خالص مهاجرتی استان‌های کشور به واسطه تکنیک نسبت بازماندگی برآورد شد. مقایسه خالص مهاجرتی برآورد شده با خالص مهاجرتی سرشماری نشان می‌دهد که در اکثر استان‌های کشور داده‌های مهاجرت، دارای کم شماری چشم‌گیری است. در دوره ۱۳۸۵-۹۰ سطح و شدت این کم شماری‌ها به ویژه در استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی، کرمان، خراسان رضوی قابل مشاهده است.



نمودار ۴. مقایسه خالص مهاجرتی ماتریس مهاجرتی و تکنیک نسبت بازماندگی در دوره ۱۳۸۵-۹۰

مقایسه داده‌های مهاجرت سرشماری با خالص مهاجرتی برآورد شده در دوره ۹۵-۱۳۹۰ نیز نشان داد که علی‌رغم وجود کم‌شماری‌هایی در این دوره، اما هم از تعداد استان‌های با کم شماری زیاد کاسته شده است و هم مابه‌التفاوت دو مقدار خالص مهاجرتی کاهش چشم‌گیری پیدا کرده است. در این دوره بیشترین سطح اختلاف مربوط به استان تهران است و بعد از آن استان‌های خوزستان، البرز، همدان، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان قرار دارند و استان‌های زنجان، گیلان، قزوین و سمنان دارای پایین‌ترین تفاوت بین دو مقدار خالص مهاجرتی بودند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



نمودار ۵. مقایسه خالص مهاجرتی ماتریس مهاجرتی و تکنیک نسبت بازماندگی در دوره ۱۳۹۰-۹۵

با قراردادن خالص مهاجرت برآورد شده، نرخ رشد سالیانه جمعیت طی سال‌های ۱۳۸۵-۹۵ محاسبه شد. در دوره ۱۳۸۵-۹۰ خالص مهاجرت در استان‌های مختلف، موجب تغییرات متفاوتی در نرخ رشد جمعیت شده است. بیشترین تأثیر مهاجرت در نرخ رشد جمعیت، در چهار استان سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و البرز مشاهده می‌شود. جهت این تأثیرگذاری کاملاً متفاوت بوده است، در حالی‌که در استان‌های بوشهر و البرز تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد افزایشی است؛ در استان‌های سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد، مهاجرت کاهش‌دهنده نرخ رشد جمعیت بوده است.

خالص مهاجرتی استان سیستان و بلوچستان در دوره ۱۳۸۵-۹۰ موجب کاهش ۱/۲۳ درصدی نرخ رشد جمعیت آن شده است که بیشترین تأثیر کاهش مهاجرت در کشور است. در واقع این میزان تأثیر نشان می‌دهد که مدیریت و کنترل مهاجرتی در استان سیستان و بلوچستان قادر است، نرخ رشد جمعیت استان را به رقمی حدود ۲/۳ در سال افزایش دهد. کهگیلویه و بویراحمد با تأثیر ۰/۶۵ درصدی، دومین استان تأثیرپذیر کاهش مهاجرت است، این در حالی است که خالص مهاجرتی این استان در مقایسه با استان‌هایی مانند خوزستان، لرستان و اردبیل کمتر است. استان خوزستان که دومین استان مهاجرتی کشور در این

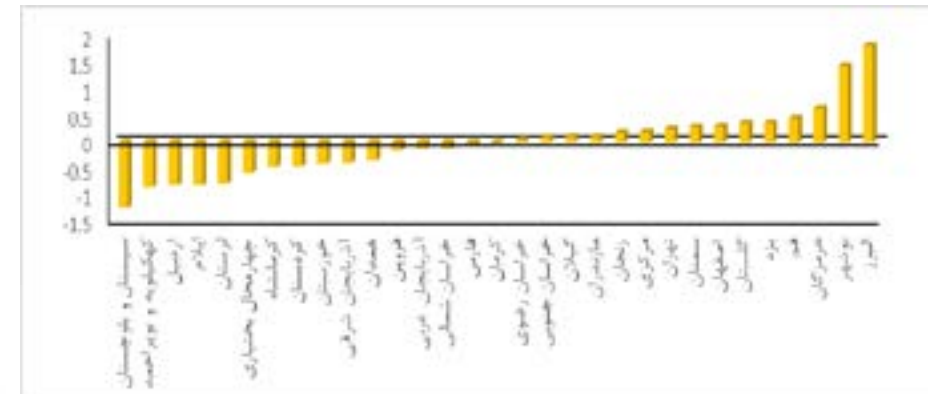
دوره بوده است، تأثیر مهاجرت بر کاهش جمعیت آن کمتر از استان‌های ایلام، لرستان، کرمانشاه قرار دارد. در مقابل، استان البرز با بهره‌گیری از خالص مهاجرتی مثبت، تأثیر افزایشی حدود ۱/۸۰ درصدی از مهاجرت داشته است، به طوری‌که نرخ رشد جمعیت آن را از ۱/۸ درصد به ۳/۰۳ درصد افزایش داده است که بیشترین تأثیر افزایشی در کشور است. بعد از استان البرز، بوشهر قرار دارد که با تأثیری ۱/۴۳ درصدی، دومین استان کشور منتفع از مهاجرت داخلی است.

جدول ۱. نرخ رشد سالانه جمعیت و اثر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت استان‌های کشور دوره ۱۳۸۵-۹۰

استان	نرخ رشد سالانه جمعیت			استان	نرخ رشد جمعیت ناشی از مهاجرت		
	کل	هره	نت		کل	هره	نت
سیستان و بلوچستان	۱.۰۲	۰.۷۲	۱.۲۱	خراسان رضوی	۰.۹۱	۰.۵۶	۱.۲۲
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۷۲	۰.۹۷	۰.۵۶	خراسان جنوبی	۰.۶۵	۱.۰۷	۰.۵۶
ارdebیل	۰.۲۲	۰.۲۷	۰.۱۹	گیلان	۰.۹۱	۰.۶۵	۰.۸۱
ایلام	۰.۲	۰.۲۸	۰.۰۲	مازندران	۰.۷۷	۰.۵۵	۰.۸۱
لرستان	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲	زنجان	۰.۲۲	۰.۲	۰.۲۲
چهارمحال و بختیاری	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲	مرکزی	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
کردستان	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲	تهران	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
گردستان	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲	سمنان	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
قزوین	۱.۲۲	۰.۹۱	۱.۲۲	اصفهان	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
آذربایجان شرقی	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲	گلستان	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
همدان	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲	یزد	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
قزوین	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲	قم	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
آذربایجان غربی	۱.۲	۱.۲۸	۱.۲	خراسان جنوبی	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
خراسان شمالی	۱.۲۲	۱.۲۲	۱.۲۲	بوشهر	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
فارس	۱.۲۲	۰.۹۱	۱.۲۲	تهران	۰.۲۲	۰.۲۲	۰.۲۲
کرمان	۲.۰۲	۱.۸۲	۲.۲۲				

در سمت دیگر نیز بعد از استان البرز، استان تهران بیشترین خالص مهاجرتی مثبت در این دوره را داشته است، اما تأثیرپذیری افزایشی مهاجرت در نرخ رشد این استان بعد از استان‌های بوشهر، هرمزگان و قم و ... قرار گرفته است.





نمودار ۶. تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد استان‌های کشور دوره ۱۳۸۵-۹۰

نکته قابل توجه اینکه، نرخ رشد طبیعی جمعیت در همه استان‌های کشور همواره بالاتر از تأثیر مهاجرت است. در واقع در این دوره در همه استان‌های کشور همچنان موالید و مرگ‌ومیر بیشترین تأثیر را بر نرخ رشد جمعیت دارند. با این وجود، با مدیریت و کنترل مهاجرت‌های داخلی، می‌توان نرخ رشد جمعیت بسیاری از استان‌ها را تا حد زیادی افزایش داد و از سویی از بار جمعیتی کلان‌شهرهای کشور نیز تا حد چشم‌گیری کاست.

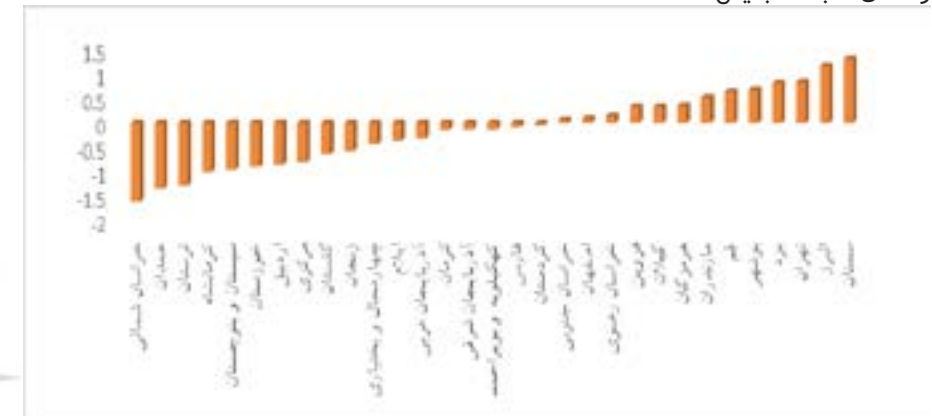
جدول ۲. نرخ رشد سالانه جمعیت و اثر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت استان‌های کشور دوره ۹۵-۱۳۹۰

استان	نرخ رشد سالانه جمعیت			استان	نرخ رشد جمعیت ناشی از مهاجرت		
	کل	مرد	زن		کل	مرد	زن
خراسان شمالی	-۰.۸	-۰.۱	-۰.۳	قزوين	-۱.۳۳	-۱.۳۳	-۱.۳۳
همدان	-۰.۳	-۰.۴	-۰.۳	کردستان	-۱.۵	-۱.۱۸	-۱.۳۳
لرستان	-۰.۸	-۰.۳	-۰.۳	خراسان جنوبی	-۱.۳۱	-۱.۱۵	-۱.۳
کرمانشاه	-۰.۱	-۰.۳	-۰.۳	اصفهان	-۱.۴	-۰.۹۵	-۱.۴
سیستان و بلوچستان	۱.۵۵	۲.۴	۱.۳	خراسان رضوی	-۱.۴	-۰.۵۵	-۱.۳
خوزستان	-۰.۱	-۰.۸	-۰.۳	قزوین	-۰.۹۹	-۰.۳	-۰.۳
ارمنجان	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳	گیلان	-۱.۴	-۰.۳	-۰.۳
مرکزی	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳	هرمزگان	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳
گچساران	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳	مازندران	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳
زنجان	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳	فارس	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳
چهارمحال و بختیاری	۱.۱	۱.۳	۰.۳	بوته‌پر	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳
ایلام	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳	یزد	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳
آذربایجان غربی	۱.۱	۱.۳	۱.۳	تهران	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳
کرمان	۱.۳	۱.۳	۱.۳	شیراز	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳
آذربایجان شرقی	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳	سمنان	-۰.۳	-۰.۳	-۰.۳
کهگیلویه و بویراحمد	۱.۳	۱.۳	۱.۳				

به‌صورت کلی، سه استان سمنان، خراسان شمالی و همدان بیشترین سطح تأثیرپذیری از مهاجرت را تجربه کرده‌اند. در هر سه استان‌ها، سطح تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت آن‌ها، بیشتر از نرخ رشد جمعیت بدون مهاجرت است. اما جهت تأثیرگذاری مهاجرت بر هر یک از این استان‌ها متفاوت است. در استان سمنان نرخ رشد جمعیت ناشی از مهاجرت بالاتر از نرخ رشد طبیعی جمعیت بوده که موجب افزایش نرخ رشد جمعیت استان به ۲/۲۴ درصد شده است. اما در دو استان همدان و خراسان شمالی با وجود بالاتر بودن نرخ رشد ناشی از مهاجرت در مقایسه با نرخ رشد طبیعی، اما تأثیر آن در جهت کاهش بوده است. بطوری‌که در استان خراسان شمالی تأثیر مهاجرت در نرخ رشد جمعیت (۱/۶۲- درصد) موجب رسیدن نرخ رشد جمعیت از ۱/۵۴ درصد به ۰/۰۸- درصد شده است. در استان همدان نیز به همین منوال، نرخ رشد جمعیت ناشی از مهاجرت

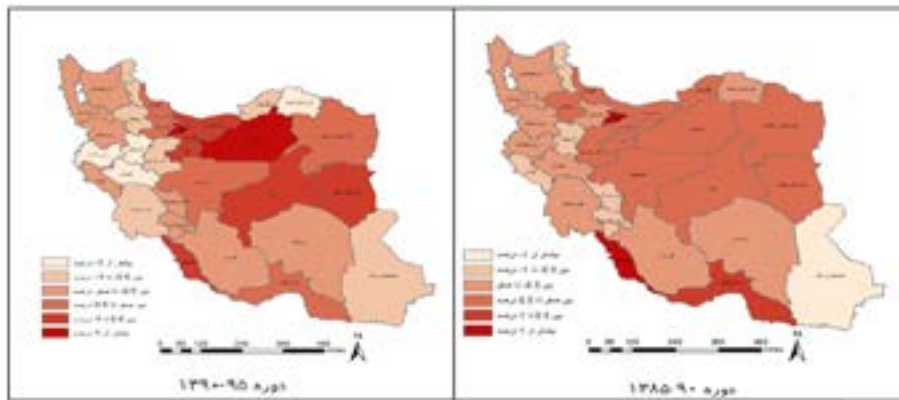


۱/۳۴- درصد) موجب کاهش نرخ رشد جمعیت به ۰/۲- درصد شده است. یعنی کنترل و مدیریت مهاجرفرستی این دو استان، می‌تواند نرخ رشد منفی را به نرخ رشدی مثبت تبدیل کند.



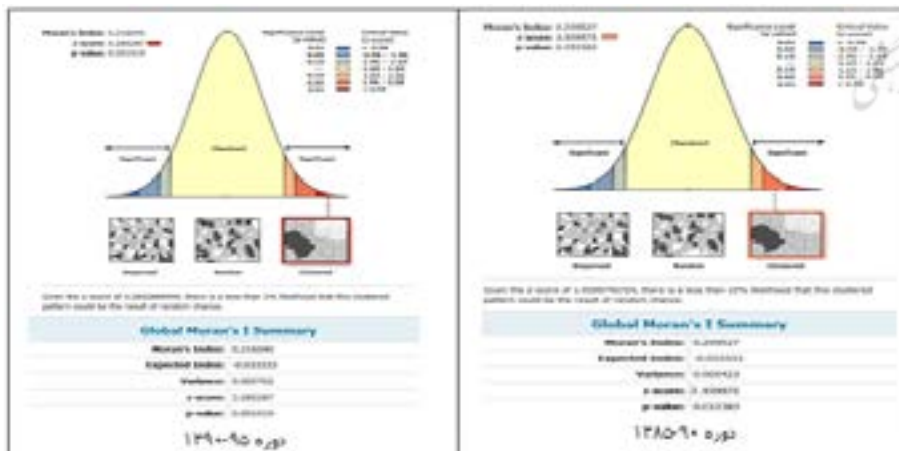
نمودار ۷. مقایسه تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد استان‌های کشور دوره ۱۳۹۰-۹۵

همچنین بررسی توزیع فضایی تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت در کشور نیز نشان از توزیع خوشه‌ای این تأثیر است. در حالی که استان‌های مرزی به‌ویژه مرزهای غربی، شمال غربی و جنوب شرقی کشور دارای تأثیر منفی مهاجرت هستند، استان‌های مرکزی و شمالی کشور و دو استان بوشهر و هرمزگان تأثیر افزایشی مهاجرت را نشان داده‌اند.

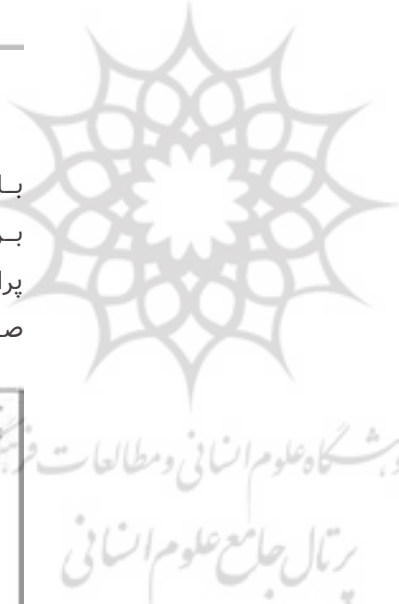


شکل ۱. توزیع فضایی تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت استان‌های کشور ۱۳۸۵-۹۵

با وجود اینکه شکل پراکندگی این شاخص، الگوی توزیع فضایی تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت را نشان می‌دهد، اما بررسی دقیق‌تر در مورد وجود الگوی پراکندگی خاص و در واقع خوشه‌ای این شاخص در کشور، به‌واسطه آزمون موران، صورت گرفت که نتایج آن در ادامه مشاهده می‌شود (شکل ۲).



شکل ۲. آزمون خودهمبستگی فضایی موران عمومی الگوی پراکندگی تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت ۱۳۸۵-۹۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نتایج آزمون خودهمبستگی فضایی نشان می‌دهد که میزان شاخص موران در استان‌های کشور در دوره ۹۰-۱۳۸۵ برابر با ۰/۲۰۹ با سطح معناداری ۰/۰۳۲ و در دوره ۹۵-۱۳۹۰ برابر ۰/۲۱۶ با سطح معناداری ۰/۰۰۱ به دست آمده است، که بیانگر ساختار فضایی خوشه‌ای این متغیر در کشور است. به بیان دیگر، باید اظهار کرد که تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت در سطح استانی در هر دو دوره، دارای الگویی فضایی خاصی بوده و توزیع آن در سطح کشور به شکل خوشه‌ای است. پس تأثیر مهاجرت تمایل به متمرکز یا خوشه‌ای شدن در فضا دارد. به طوری که تجمع فضایی لکه‌های داغ (بالاترین تأثیر افزایشی) متعلق به استان‌های مرکزی و شمالی است و از طرف دیگر تجمع فضایی لکه‌های سرد (منفی‌ترین تأثیر کاهش‌ی) متعلق به استان‌های مرز غرب، شمال غرب و جنوب شرقی است.

بحث و نتیجه‌گیری

افزایش امیدزندگی و رسیدن میزان باروری به سطح جانشینی و همگرایی میزان‌های موالید و مرگومیر در نقاط مختلف کشور از یک سو و افزایش حجم و شدت مهاجرت و جابجایی‌های داخلی از سوی دیگر، موجب شده است که مهاجرت، نقش مهمی در تغییر حجم و نرخ رشد جمعیت مناطق کشور را داشته باشد. توسعه ناموزون در کشور موجب شکل‌گیری قطب‌های توسعه‌یافتگی در کشور شده که با تمرکز امکانات و خدمات و در نتیجه فرصت‌های شغلی و آموزشی، به مقصد مورد توجه برای خیلی عظیمی از مهاجران تبدیل شده‌اند. همین امر موجب شده است که مناطق توسعه‌یافته، جمعیت زیادی را از سایر نقاط کشور، عمدتاً استان‌های کمتر توسعه‌یافته، به خود جذب کنند (صادقی و شکریانی، ۱۳۹۵؛ شهبازین، عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۹۶). شکل‌گیری جریان‌های وسیع مهاجرتی در کشور موجب شده است که مهاجرت و بازتوزیع جمعیت ناشی از آن در داخل کشور، از مهم‌ترین محورهای سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی برای نظم بخشیدن به جابجایی‌های جمعیتی و هدایت سیل مهاجران به شمار رود، تاجایی که دو بند (بندهای ۹ و ۱۰) از سیاست‌های کلان ابلاغی در ارتباط با جمعیت از مقام معظم

رهبری (۱۳۹۳) به مهاجرت و بازتوزیع جمعیت متناسب با ظرفیت مناطق، اختصاص دارد.

مهاجرت چه به صورت داخلی و چه بین‌المللی عاملی در بازتوزیع جمعیت و افزایش جمعیت مناطق مهاجرپذیر و در مقابل کاهش جمعیت مناطق مهاجرفرست است. استمرار میزان مهاجرفرستی و مهاجرپذیری و همچنین شدت آن، در بلندمدت پیامدهایی را برای هر دو منطقه مبدأ و مقصد به همراه دارد. اولین و یکی از مستقیم‌ترین این پیامدها، تأثیر بر نرخ رشد جمعیت و در نتیجه حجم جمعیت است که هدف اصلی این مطالعه نیز نشان دادن تأثیر این مهاجرت، بر نرخ رشد استان‌های کشور بود. قبل از پرداختن به نرخ رشد جمعیت، داده‌های مهاجرت سرشماری با استفاده از معادله توازن جمعیتی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد براساس نتایج معادله توازن، کم‌شماری زیادی در رابطه با داده‌های مهاجرت در داده‌های سرشماری وجود دارد. با وجود اینکه در روش معادله توازن همه مهاجران اعم از مهاجران با منشأ خارج از کشور (مهاجران خارجی) و نیز مهاجرانی با مبدأ نامشخص نیز وارد می‌شوند، اما با توجه به سهم ناچیز این دو دسته از مهاجران در داده‌های مهاجرتی کشور، تفاوت به دست آمده در همه استان‌های کشور جای تأمل زیادی دارد. از سویی با توجه به پوشش بالای ۹۰ درصد مرگومیر و موالید توسط سازمان ثبت‌احوال (به‌ویژه در استان‌های توسعه‌یافته‌ای مانند تهران، گیلان، سمنان، یزد و ... که دارای پوشش ثبت بالاتر از ۹۰ درصد هستند) (ساسانی پور، ۱۴۰۰)، به نظر نمی‌رسد که مشکلی از جانب تعیین‌کننده‌های مرگومیر و موالید وجود داشته باشد. بنابراین می‌توان اظهار کرد که تفاوت مشاهده شده ناشی از کم‌شماری مهاجران است. با توجه به این مهم، خالص مهاجران استان‌های کشور براساس تکنیک بازماندگی برآورد شد. برآوردهای مهاجرت بر اساس نسبت بازماندگی تا میزان زیادی کم‌شماری‌های داده‌های مهاجرت را برطرف کرد. خالص مهاجرت استانی برآورد شده از این روش دارای الگوی فضایی داده‌های ماتریس مهاجرتی سرشماری است. استان‌های توسعه‌یافته و عمدتاً مرکزی کشور دارای بالاترین خالص مهاجرتی مثبت و استان‌های نواحی مرزی مانند سیستان و بلوچستان،



خوزستان، کرمانشاه، کردستان و دارای بیشترین خالص مهاجرتی منفی بودند که با یافته‌های مطالعات شهبازین و همکاران (۱۳۹۶)، عسکری، لشگری و فرامرزیان (۱۳۹۶)، صادقی و شکرایی (۱۳۹۵)، قرخلو و حبیبی (۱۳۸۵) و مطابقت دارد.

براساس یافته‌ها، مهاجرت در عمده استان‌های کشور تأثیر کاهشی بر نرخ رشد جمعیت را داشته است. در هر دو دوره به علت توزیع نامتوازن جمعیت و بازتوزیع جمعیت در سطح استان‌های کشور، بسیاری از مناطق به دلیل مهاجرفرستی و از دست دادن جمعیت، کاهش نرخ رشد جمعیت را تجربه کرده‌اند. این کاهش نرخ رشد جمعیت به دلیل مهاجرت از ۱/۶۲- درصد برای استان خراسان شمالی تا ۱/۳۱ درصد برای استان سمنان نوسان داشته است. میزان مهاجرت در برخی از استان‌های کشور به اندازه‌ای در نرخ رشد جمعیت آن‌ها تأثیرگذار بوده است که نرخ رشد جمعیت مثبت آن‌ها را (در صورت نبود مهاجرت) به نرخ رشد منفی و در نتیجه کاهش جمعیت رسانده است (استان همدان و خراسان شمالی در دوره ۹۵-۱۳۹۰) و در برخی از استان‌ها نرخ رشد جمعیت را از حدود ۱/۱ درصد به چیزی حدود ۰/۱ درصد کاهش داده است. استان‌های کرمانشاه، لرستان، خوزستان، همدان، ایلام و خراسان شمالی بالاترین تأثیر کاهشی از مهاجرت را داشته‌اند. این استان‌ها به دلیل مهاجر فرستی بالا به‌ویژه در چند سال اخیر (محمودیان و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۲، محمودیان و محمودیانی، ۱۳۹۷) حجم زیادی از جمعیت فعال خود را نیز از دست داده‌اند. این روند ضمن برهم زدن تعادل سنی و جنسی جمعیت در مقصد، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زیادی را نیز برای این مناطق خواهد داشت. در مقابل استان تهران (دوره ۹۵-۱۳۹۰)، اصفهان، البرز و سمنان بیشترین تأثیر افزایشی از مهاجرت را داشته‌اند. این استان‌ها که به دلیل خالص مهاجرتی خود رشد جمعیتی بالایی را تجربه می‌کنند، مشکلات و مسائل زیادی را نیز در زمینه اشتغال و بیکاری، فراهم کردن زیرساخت‌ها لازم برای این جمعیت، آلودگی‌های محیطی، تراکم بالای جمعیتی و خواهند داشت که مدیریت و حل آنان نیازمند برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت خواهد بود.

توجه به توزیع فضایی تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت نشان می‌دهد که

استان‌های مرزی کشور که عمدتاً مناطق کمتر توسعه‌یافته هستند، عمدتاً تحت تأثیر نیروی کاهشی مهاجرت هستند. در این مناطق به دلیل میزان بالای خالص مهاجرت منفی، نرخ رشد جمعیت کاهش پیدا کرده است و با افزایش روند مهاجرت از این مناطق (حسینی و صادقی، ۱۳۹۹؛ حسینی، ۱۳۹۶، حسینی و خانی، ۱۳۹۶) تأثیر کاهشی مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت این استان‌ها نیز ادامه یافته و خواهد یافت. این در حالی است که اگر امکانات و شرایط لازم برای ماندگاری جمعیت در این مناطق مهیا شود، نرخ رشد سالانه جمعیت این مناطق افزایش پیدا می‌کند که هم مانع ایجاد مشکلات امنیتی در مناطق مرزی شده و هم از تراکم زیاد جمعیت در استان‌های مرکزی جلوگیری می‌شود. از سویی با توجه با مهاجرپذیری بالای مناطق مرکزی به‌ویژه استان‌های تهران و البرز به دلیل تمرکز سیاسی و اداری، این مناطق نیز با مشکلات و مسائلی از قبیل افزایش بیکاری، افزایش مشاغل کاذب، مسکن، حاشیه‌نشینی، فقر و روبرو هستند. نتایج این مطالعه در تائید مطالعات مختلفی است که توزیع نامتعادل جمعیت و مهاجرت را در کشور نشان داده و تأثیر منفی مهاجرت بر مناطق مرزی کشور را نشان داده‌اند (حسینی و صادقی، ۱۳۹۹؛ شهبازین و همکاران، ۱۳۹۷؛ حسینی ۱۳۹۶؛ حسینی و خانی، ۱۳۹۶، شایان، ۱۳۶).

با توجه به اینکه استان‌های مرزی کشور که نقش زیادی در پایداری امنیت در کشور دارند و نیز با توجه به تأثیر جمعیت بر امنیت پایدار در جامعه، حفظ تعادل جمعیت در این مناطق از مهمترین عوامل امنیتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. فراهم کردن امکانات توسعه‌ای لازم از قبیل فرصت‌های اشتغال، آموزش، بهداشت و می‌تواند ضمن بالا بردن سطح توسعه، از خارج شدن جمعیت و در نتیجه کاهش نرخ رشد جمعیت این مناطق جلوگیری به عمل آورد. برای رسیدن به اهداف اقتصادی، فرهنگی و نظامی در کشور باید مشکلات اقتصادی، اجتماعی مناطق مرزی به کمترین حد ممکن برسد، تا از خروج افراد و جمعیت این منطقه جلوگیری شود. این مهم ضمن حفظ پایداری جمعیت در مناطق مرزی، مشکلات مناطق مقصد این مهاجران را نیز به حداقل می‌رساند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

این مطالعه نشان داد که تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت، توزیع فضایی نامتوازنی در کشور دارد. با توجه به اهمیت نقش مهاجرت در بازتوزیع جمعیت منطقه، می‌توان نتایج این مطالعه را در برنامه‌ریزی جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه در حوزه توزیع جغرافیایی جمعیت لحاظ کرد. ادامه این روند طی چند دهه منجر به شدت گرفتن بیشتر توزیع نابرابر جمعیت در استان‌های کشور شده است، حل مسئله عدم تعادل در نظام توزیع جمعیتی در سطح ملی و منطقه‌ای که در واقع منشأ بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، به یک برنامه جامع نظام اسکان جمعیت نیاز دارد.

یکی از مهمترین دلایل انجام این مطالعه به دست دادن تأثیر مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت بود. این مهم به‌ویژه در چند سال اخیر که بحث سیاست‌های افزایشی جمعیت مطرح شده است، قابل‌استفاده و کاربرد است. مطالعات مختلف نشان داده است که تفاوت‌های منطقه‌ای زیادی در میزان‌های جمعیتی کشور وجود دارد که برای سیاست‌گذاری‌های جمعیتی باید موردتوجه قرار گیرد. استان‌های سیستان و بلوچستان و خوزستان و حتی چهارمحال و بختیاری و لرستان هنوز دارای سطح باروری بالایی هستند و این خالص مهاجرت است که باعث کاهش نرخ رشد جمعیت آن‌ها شده است. در مقابل استان‌های تهران، اصفهان، آذربایجان شرقی و تا حدودی استان خراسان رضوی قرار دارند که میزان باروری در این جوامع به میزانی کاهش یافته است که خالص مهاجرت آن‌ها موجب بالا رفتن نرخ رشد جمعیت شده است. لذا در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای باید به این نکته توجه داشت.

منابع:

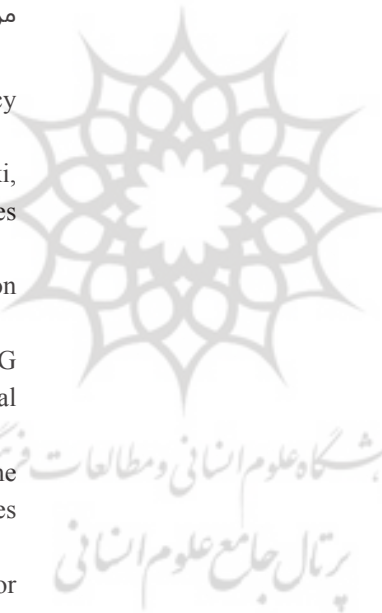
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. نشر نی. تهران.
- اسماعیلی، نصیبه (۱۳۸۸)، بررسی نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران
- اوبرای، ای اس (۱۳۷۰)، مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه فرهنگ ارشاد، موسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.
- ایراندوست، کیومرث، بوچانی، محمدحسین؛ تولایی، روح‌الله (۱۳۹۲)، تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری. فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۶، دوره بهار، صص: ۱۱۸-۱۰۵.
- تقدیسی، احمد و محمدعلی احمدی شاپورآبادی (۱۳۹۱)، مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران: چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره پیاپی ۱۰۴. صص: ۱۶۴-۱۳۳.
- تمنا، سعید (۱۳۸۴)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران، دانشگاه پیام نور، چاپ هشتم.
- جمعه پور، محمود (۱۳۷۸)، بررسی و ارزیابی جایگاه اقتصادی و توسعه بخش روستایی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه ملی، مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- حسامیان فرخ؛ اعتماد، گیتی؛ اعتماد، محمدرضا (۱۳۸۵)، شهرنشینی در ایران، نشر آگاه، چاپ دوم، تهران.
- رستمعلی زاده، ولی اله؛ قاسمی اردهایی، علی (۱۳۹۱)، آثار و پیامدهای جمعیتی-اجتماعی مهاجرت‌های جنگ تحمیلی در ایران، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال اول، شماره ۲، صص: ۷۹-۵۹.
- زمانی، فریبا (۱۳۸۸)، اهمیت جمعیت‌شناسی در برنامه‌ریزی‌های آمایش سرزمین (با تأکید بر مطالعه مهاجرت‌های استانی)، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۹ و ۷۰. دوره پاییز و زمستان، صص: ۱۳۲-۱۰۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

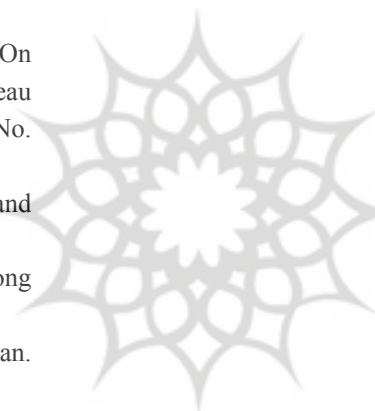
- زنجانی، حبیب اله (۱۳۷۸)، تحلیل جمعیت‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- ساسانی‌پور، محمد. (۱۴۰۰). مطالعه نقش سن و علل مرگ در تفاوت‌های استانی امیدزندگی در بدو تولد در ایران، ۱۳۹۵. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۱۳، صص: ۳۴۲-۳۱۵.
- صادقی، رسول، لیلا ولدوند (۱۳۸۴). جنسیت و مهاجرت: تحلیل جامعه شناختی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران، پژوهش‌های جامعه شناختی معاصر، سال ۴، شماره ۷. صص: ۷۸-۵۵.
- صادقی، رسول، لیلا ولدوند (۱۳۸۴). جنسیت و مهاجرت: تحلیل جامعه شناختی تفاوت‌های جنسیتی در مهاجرت‌های داخلی در ایران، پژوهش‌های جامعه شناختی معاصر، سال ۴، شماره ۷. صص: ۷۸-۵۵.
- طالب، مهدی؛ عنبری، موسی (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- قاسمی‌سیانی، محمد (۱۳۸۸)، پیامدهای مهاجرت روستا-شهری نسل جوان روستایی، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۲. صص: ۱۶۵-۱۴۵
- محمودیان، حسین؛ قاسمی‌اردهایی، علی (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت مهاجرت و شهرنشینی در ایران.
- مشفق، محمود (۱۳۸۹)، مهاجرت داخلی در ایران: بررسی سطوح و روندهای مهاجرت داخلی در ایران و عوامل مؤثر بر آن ۸۵-۱۳۵۵. پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- مشفق، محمود و معصومه خزایی (۱۳۹۴)، تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۷. صص: ۱۲۴-۸۵.
- موثقی جدیدی، حسین و احمد خاتون آبادی، (۱۳۸۸)، تعیین رابطه عوامل درون خانوار و مهاجرت اعضای خانوارهای روستایی شهرستان مرند به شهرها در سال ۱۳۸۳، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۹. صص: ۱۱۴-۹۳.

- موثقی جدیدی، حسین؛ خاتون‌آبادی، سید احمد (۱۳۸۸)، تعیین رابطه عوامل درون خانوار و مهاجرت اعضای خانوارهای روستایی شهرستان مرند به شهرها در سال ۱۳۸۳، مجله روستا و توسعه، دوره ۱۲، شماره ۳، صص: ۱۱۴-۹۳.
- میرزایی، محمد و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۹۳)، جنبه‌های مهاجرت داخلی زنان در ایران، تهران، مؤسسه رحمان.
- رونالد، پرسا (۱۳۹۵)، دانشنامه جمعیت‌شناسی، ترجمه پژوهشکده آمار، تهران، مرکز آمار ایران.
- Bailey, M. and D.F. Sly. 1987. Metropolitan-nonmetropolitan migration expectancy in the United States, 1965-1980. Genus 53(3/ 4):37- 59.
- Bell, M; Charles-Edwards, E; Ueffing, P; Stillwell, J; kUPiszewski, M; kUPiszewski, D (2015) Internal Migration and Development: Comparing Migration Intensities around the World. Jour of Population and Development Review; 41(1): 33-58.
- Bell. M (1996). How often do Australians move? Alternative measures of population mobility. Journal of the Australian Population Association, 13(2):101- 124.
- Bell. M, Blake. M, Boyle. P, Duke-Williams. O, Rees. O, Stillwell. J, Hugo. G (2002). Cross-national comparison of internal migration: issues and measures. Journal of the Royal Statistical Society; 165(3): 435-464.
- Bernard, A, Bell, M. and Charles-Edwards, E. (2014a). Improved measures for the cross-national comparison of age profiles of internal migration. Population Studies 68(2): 179-195. doi:10.108000324728.2014.890243/.
- Bernard, A. & Bell, M. (2015). Smoothing internal migration age profiles for comparative research. Demographic research, 32, 915 - 948.
- Cliggett, L (2000). Social Components of Migration: Experiences from Southern Province, Zambia. Human Organization; spring, 59(1): 125.
- Grabill, W. H. 1945. «Attrition Life Tables for the Single Population, Journal of the American Statistical association, Vol. (40), pp: 364 - 75.
- Jaffe, A. J)1960(. Handbook of Statistical Methods for Demographers, (Preliminary Edition-Third Printing) Washington, D. C.: U. S. Government Printing Office.
- Kulkarni, M. & Pol, L. G. (1994). Migration expectancy revisited: Results for the 1970s, 1980s and 1990s. Population Research and Policy Review, 13(2), 195 - 202.



- Kirdar, M. Sirin, S. (2007), Migration and Regional Convergence: An Empirical Investigation for Turkey, MPRA Paper 2648, University Library of Munich, Germany, revised.
- Wilber, G. L. (1963). «Migration Expectancy in the United States, Journal of American Statistical Association. Vol. (58): 444 - 453.
- Rodríguez Vignoli, R (2017), Effects of internal migration on the human settlements system in Latin America and the Caribbean, Cepal Review; 123: 8 - 32
- Peterson, w, Peterson, R (1986), Dictionary of Demographic Terms, Concepts and Institutions, Greenwood, Westport.
- Boustan, L.P, Fishback, P, Kantor, SH (2007), The Effect Of Internal Migration On Local Labor Market: American Cities During The Great Depression, National Bureau of Economic Research 1050 Massachusetts Avenue Cambridge, MA 02138, JEL No. J61,N32,R23
- Barro, R. J. Sala-i-Martin, X. (1995). Technological diffusion, convergence, and growth (No. 735). Center Discussion Paper.
- Pekkala, S. & Kangasharju, A. (1998). Migration and Regional Convergence among the Finnish Subregions, 1975 - 95. Pellervon taloudellinen tutkimuslaitos.
- Shioji E (2001) Composition effect of migration and regional growth in Japan. Journal of the Japanese and International Economies 15: 29-49.
- Toya, H, Hosono, K, Tatsuji, M (2004), Human Capital, Migration, and Regional Income Convergence in the Philippines, HiStat Discussion Paper Series d03 -18 , Institute of Economic Research, Hitotsubashi University, revised.
- Østbye, S. & Westerlund, O. (2007). Is migration important for regional convergence? Comparative evidence for Norwegian and Swedish counties, 1980-2000. Regional Studies, 41(7), 901- 9.

- Long, L.H (1973). New Estimates of Migration Expectancy in the United States, Journal of the American Statistical Association, 68: 37 - 43.
- Narayan, R, Singh S.K (2014). Does migration expectancy differ remote and semi-urban villages in Varanasi district, International Journal of Current Research 6(09): 8742- 8745.
- Ratna, B. Pande, M. K. & Bhatt, S. (2019). Migration Expectancy in Rural area of Nainital District in Uttarakhand: A case study of Okhalkanda Block. FIRMS's International Journal of Mathematical Science, 1(1), 1- 8.
- Rees, P. Bell, M. Duke-Williams, O. & Blake, M. (2000). Problems and solutions in the measurement of migration intensities: Australia and Britain compared. Population Studies, 54(2), 207- 222.
- Rogers A and LJ Castro. 1981. Age patterns of migration: Cause-specific profiles. In Advances in multiregional demography, RR-816-, Rogers A, ed. Laxenburg, Austria: International Institute for Applied Systems Analysis.
- Sassen-Koob, S (1984) The new labour demand in global cities. In Cities in Transformation, Smith M (ed.); Sage: Beverly Hills; 139-171.
- Chen, R. Xu, P. Li, F. Song, P. (2018). Internal migration and regional differences of population aging: an empirical study of 287 cities in China. Bioscience trends, 2017 - 01246.
- Friedberg, Rachel, M. Hunt, J (1995), The Impact of Immigrants on Host Country Wages, Employment and Growth, Journal of Economic Perspectives, American Economic Association;9(2): 23- 44.
- Singh, N. K. Singh, B. P. & Singh, B. P. (2012). Migration expectancy in north-eastern Bihar. International Journal of Current Research, 4(11), 219 - 221.
- Singh, S. N. Yadava, K. N. S. & Sharma, H. L. (1984). Migration Expectancy in Rural Areas of Eastern Uttar Pradesh. The Indian Journal of Social Work, 2, 155166-.
- Stillwell, J; Bell, M; Ueffing, P; Daras, K; Charles-Edwards, E; Kupiszewski, M; Kupiszewska, D(2016) Internal migration around the world: comparing distance travelled and its frictional effect. Environment and Planning A.
- UN (2009). Overcoming barriers: Human mobility and development, Human Development Report 2009. Basingstoke.
- Chen, M, Lloyd, CJ, Yip, P (2020), Growing rich without growing old: the impact of internal migration in China. Asian Population Studies;16(2) :183.



پرتال جامع علوم انسانی
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی